

جلسه ششم: تثنیه ۱۲

دکتر سینتیا پارکر

من دکتر سینتیا پارکر هستم و در مورد کتاب تثنیه تدریس می‌کنم. این جلسه ششم در مورد تثنیه ۱۲ است.

مقدمه

خب، بالاخره به هسته‌ی تثنیه رسیدیم. خب، داریم به تثنیه ۱۲ نگاه می‌کنیم. و در واقع، قبل از اینکه وارد این فصل شویم، قرار است این سخنرانی را به دو بخش تقسیم کنیم. بخش اول قرار است به بررسی پیچیده و دیوانه‌وار دانشی که در تثنیه نهفته است، یعنی همه چیز در مورد نویسندگی، بپردازد. کتاب را از کجا گرفتیم؟ چرا کتاب را داریم؟ چه زمانی نوشته شده است؟ همه این چیزها، پس قرار است به آن بپردازیم و سپس در مورد فصل ۱۲ صحبت خواهیم کرد. دلیل اینکه تصمیم گرفتیم بخش نویسندگی و هدف کتاب را اینجا در ابتدای بخش قوانین، فصل‌های ۱۲ تا ۲۶، قرار دهم این است که به دلیل فصل ۱۲ در تثنیه است که بسیاری از محققان در تلاش برای فهمیدن آن بوده‌اند. چرا تثنیه نوشته شده است؟ بنابراین، به این فصل بستگی دارد، به همین دلیل است که این گفتگو را به طور خاص به این فصل منتقل کردم.

حالا، فقط به عنوان یک مرور سریع در ابتدای این سخنرانی، جاهایی که قبلاً بوده‌ایم را مرور می‌کنیم، خب، ما قبلاً در مورد فصل‌های تاریخی ۱ تا ۳ صحبت کردیم، و در مورد فصل ۴، که قلب تپنده‌ی تثنیه است صحبت کردیم، و برخی از تیم‌هایی را که بارها و بارها شنیده‌ایم، ارائه داد. سپس به فصل‌های ۵ تا ۱۱ نگاه کردیم، و آنها فصل‌های نصیحت‌آمیز هستند. آنها فصل‌هایی هستند که قرار است متقاعدکننده باشند. در این فصل‌ها سخنان زیادی در مورد فراموش نکردن تاریخ وجود دارد؛ لطفاً به یاد داشته باشید که خدا کیست. در فصل‌های ۵ تا ۱۱، انواع سخنرانی‌های متقاعدکننده و تشویق‌کننده وجود دارد.

قوانین

حالا وارد بخش قوانین شده‌ایم. این بخشی است که معمولاً مردم را می‌ترساند، اما نترسید. جذاب است، واقعاً جالب است، بنابراین آن را به بخش‌هایی تقسیم می‌کنیم.

خب، چه چیزی در مورد قوانین جالب است؟ شاید این عبارت کمی عجیب به نظر برسد، اما ما قوانین را جالب نمی‌دانیم، اما در خاور نزدیک باستان، قوانین راهی برای انتقال شیوه ایده‌آل هستی بودند، به طوری که قوانین طبیعی جهان. اغلب قوانین با روایت‌های خلقت مرتبط هستند. بنابراین، وقتی ملت‌های دیگر روایت‌های خلقت خود را داشتند، روش‌های خود را برای توضیح نحوه پیدایش جهان داشتند، اغلب با نوعی قانون به پایان می‌رسیدند. آن دلایل، داستان‌هایی که ما در مورد چگونگی آغاز جهان به خودمان می‌گوییم، همچنین داستان‌هایی هستند که به پشتیبانی از اینکه چرا این پادشاه خاص مسئول است و چرا ما قوانین خاصی داریم کمک کرده‌اند. به همین ترتیب، در کتاب تثنیه، من قبلاً در مورد چگونگی ترسیم یک چشم‌انداز برای زمانی که وارد این سرزمین می‌شوید صحبت کرده‌ام، و این سرزمین این فرصت را دارد که به طور بالقوه مانند یک عدن مانند یک باغ باشد. این پتانسیل را دارد که نسخه خیر خدا را منعکس کند. بنابراین، قوانین بنی‌اسرائیل نیز راهی برای توضیح یک شیوه ایده‌آل هستی است.

و ما می‌توانیم بحث کنیم که آیا بنی‌اسرائیل هرگز توانستند به قانون شریعت دست یابند یا خیر، اما این قانون به عنوان معیار تعیین شده است. این معیاری است برای آنچه خدا می‌گوید برای شما و فرهنگ شما در اینجا و اکنون که در این سرزمین خاص زندگی می‌کنید، خوب است.

ما متوجه خواهیم شد که قانون در اینجا در تثنیه بسیار دقیق است تا یهوه را در مرکز قرار دهد. بنابراین، خدا مرکز هویت و جامعه بنی‌اسرائیل است. بنابراین، نه تنها نحوه درک آنها از خودشان، بلکه نحوه عملکرد آنها در خانه‌هایشان، در جوامعشان و در دنیای اطرافشان نیز در مرکز قرار دارد.

ما همچنین متوجه خواهیم شد که این مجموعه قوانین، عهد و پیمان را منعکس می‌کند، اما این عهد فقط حقیقتی نیست که باید فهمیده شود. این عهد چیزی است که نوع رابطه‌ای را که خدا با قوم خود دارد، منعکس می‌کند.

نویسندگی - قرون وسطی

خب، با داشتن ذهنیتی بسیار مثبت در مورد ماهیت این مجموعه قوانین، اجازه دهید کمی به پیچیدگی‌های مربوط به تثنیه بپردازم.

بنابراین، در مورد تثنیه، وقتی مردم اسفار پنجگانه را می‌خوانند، اگرچه در تاریخ بسیار اولیه، تصور می‌شد که موسی هر پنج کتاب اسفار پنجگانه را نوشته است. اما در حال حاضر، منظورم این است که بدیهی است که این نمی‌تواند شامل فصل ۳۴ تثنیه باشد زیرا موسی در فصل ۳۴ می‌میرد. و در مطالعه مختصری که

در مورد تثبیه انجام داده‌ایم، دیده‌ایم که چگونه مواقعی وجود دارد که به نظر می‌رسد دست ویراستاری وجود دارد که در آن از موسی به صورت سوم شخص صحبت می‌شود.

بنابراین، در قرون وسطی، خاخام‌ها و علمای یهودی تشخیص دادند که هیچ راهی وجود ندارد که موسی همه چیز را در تورات نوشته باشد. داستان‌های متعددی به روش‌های مختلف نوشته شده‌اند. چیزهای نابهنگامی وجود دارد. بنابراین، دو دوره زمانی مختلف نشان داده شده است.

بنابراین، در زمان قرون وسطی، سوالاتی در مورد اینکه موسی چقدر نوشته است؟ او چه نوشته است؟ و چه چیزی توسط شخص دیگری نوشته شده است، وجود داشت؟ بنابراین، این سوالات از قبل در قرون وسطی مطرح شده است. مردم این نوع مکالمات را داشته‌اند.

تأملات قرن هفدهم در مورد نویسندگی

در قرن هفدهم، حتی در قرن هفدهم، و باز هم، هنوز هم در مورد دانشمندان یهودی در قرن هفدهم مردم می‌گفتند که تورات مدت‌ها پس از موسی گردآوری شده است. بنابراین، این زمانی است که باید به یاد داشته باشیم که بنی‌اسرائیل داستان می‌گفتند. آنها داستان‌ها را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کردند. بین زمان وقوع وقایع و زمان نگارش تاریخ آن وقایع تفاوت وجود دارد. در قرن هفدهم، مردم می‌پرسیدند که بالاخره چه زمانی وقایع نوشته شدند و چگونه آنها با هم گردآوری شدند تا یک واحد را تشکیل دهند که اکنون آن را تورات می‌نامیم؟

قانون شریعت: قانون عهد (خروج ۲۰-۲۳)، قانون تقدس (لاویان ۱۷-۲۶) و قانون تثبیه (تثنیه ۱۲-۲۶) ۳

شاید چیزی که کاملاً به تثبیه و گفتگویی که قرار است در رابطه با تثبیه داشته باشیم مربوط می‌شود این است که وقتی به اسفار پنجگانه نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که سه نسخه از قانون شریعت وجود دارد. بنابراین، یک قانون شریعت، مجموعه‌ای از قوانین، در خروج وجود دارد. یکی در لاویان وجود دارد و حالا یکی در تثبیه داریم. این همچنین به این برمی‌گردد که اگر موسی اسفار پنجگانه را نوشته است، چرا به سه نسخه از قانون نیاز داریم؟ و اگر این نسخه‌های قانون را بخوانیم، به نظر می‌رسد که همه آنها کمی متفاوت هستند. آیا این نویسندگان متفاوت هستند؟ یا فقط هدف متفاوتی را در پشت هر قانون شریعت بیان می‌کند؟

فقط می‌خواستم این نکته را مطرح کنم که بسیاری از مردم به طور سنتی فکر می‌کردند که نویسنده موسی است، اما قرن‌هاست که مردم در مورد اینکه این اتفاق از چه راه دیگری ممکن است رخ دهد، بحث

می‌کنند. اکنون، من به طور خاص بر آنچه می‌توانیم در مورد نویسندگی بر اساس قانون بیاموزیم تمرکز خواهم کرد، زیرا این همان چیزی است که ما در حال حاضر در تنبیه در حال مطالعه آن هستیم.

بنابراین، بیایید این ایده را مطرح کنیم که می‌توانیم قوانین را با هم مقایسه کنیم، همانطور که در این اسلاید در خروج ۲۰ تا ۲۳ خواهید دید. اینها قوانینی هستند که در خروج گردآوری شده‌اند. در لویان، آنها در فصل‌های ۱۷ تا ۲۶ هستند. و همانطور که قبلاً گفتم، در تنبیه، آنها در فصل‌های ۱۲ تا ۲۶ هستند. می‌توانید تمام قوانین مختلف را فهرست کنید، و قوانینی که تنبیه تکرار می‌کند کاملاً مشابه قوانین خروج است. اما لویان مجموعه قوانین کاملاً متفاوتی دارد.

اکنون ما این گروه‌بندی‌های قوانین را چیزهای مختلفی می‌نامیم. بنابراین، ما گروه‌بندی قوانین خروج را می‌نامیم و آن را قانون عهد می‌نامیم. در لویان، از آنجا که لویان بسیار مصمم است تا نشان دهد که چگونه یک قوم نامقدس می‌توانند در کنار یک خدای مقدس باشند، چگونه این دو چیز را با هم ترکیب می‌کنید؟ ما فصل‌های لویان را قانون تقدس می‌نامیم. و تنبیه را قانون تنبیه می‌نامیم. بنابراین، قانون عهد، تقدس، قانون تنبیه وجود دارد.

حالا اگر قرار باشد این کدها را یکی پس از دیگری بخوانید و با ذهنی باز به آنها نگاه کنید، ممکن است متوجه شوید که بین این فصل‌ها، بین این فصل‌ها در این کدهای مختلف، تفاوت‌هایی در لحن وجود دارد.

این باعث شده است که محققان بگویند. من تعجب می‌کنم که آیا می‌توانیم لحن کتاب را به عنوان ساختار کتاب در نظر بگیریم، و شاید بتوانیم آن را با یک دوره زمانی مطابقت دهیم. حالا، ممکن است به نظر برسد که آنها این را از هیچ چیز بیرون می‌کشند. آنها نمی‌دانند در مورد چه چیزی صحبت می‌کنند، اما من می‌خواهم یک تصویر به شما نشان دهم.

اگر قرار باشد عکسی از همه این ماشین‌ها به شما نشان دهم و بگویم اینها مجموعه‌ای از ماشین‌ها هستند. می‌توانید آنها را به ترتیب مرتب کنید؟ خب، اگر نگاهی بیندازید، من شش ماشین دارم. و فرض کنید یک فیلم دارم و در این فیلم، هر شش ماشین حضور دارند؛ می‌دانید که این کمی خنده‌دار است، اما اینطور نیست؛ این فیلم داستان یک بازه زمانی واحد را روایت نمی‌کند. می‌توانید قدمت این ماشین‌ها را حدس بزنید، و ممکن است برای شما کاملاً شهودی به نظر برسد. خب، البته، اگر بخواهیم این ماشین‌ها را به ترتیب مرتب کنیم، به می‌رسند. در واقع، این یکی یک ماشین فرانسوی است که هنوز وجود ندارد. این یک ماشین ایده‌آل **CADBF E** است، شاید در آینده. در یکی از نمایشگاه‌های اخیر ماشین به نمایش گذاشته شد.

خب، چیزی که این به شما نشان می‌دهد این است که وقتی این ماده‌ای است که شما با آن بسیار آشنا هستید، برای شما بسیار آسان است که چیزهایی را کنار هم قرار دهید تا تشخیص دهید چه زمانی این ماشین‌ها مربوط به یک دوره زمانی هستند و چه زمانی نیستند.

بنابراین، محققان، وقتی این قوانین مختلف، یعنی قانون عهد، قانون تثبیه و قانون تثبیه را می‌خوانند، در واقع متوجه چیزهای مختلفی در این قوانین می‌شوند که آنها را به فکر فرو می‌برد؛ شاید بتوانند آنها را مرتب کنند.

محل محراب در 3 قانون

من قصد دارم از چیزی استفاده کنم که در تثبیه ۱۲ آمده است. بنابراین، نحوه‌ای که این قوانین مختلف، قانون تقدس، قانون عهد، قانون تثبیه، در مورد قربانی‌هایی که در قربانگاه تقدیم می‌شوند صحبت می‌کنند. بنابراین، اگر آن قانون قربانگاه را در نظر بگیریم، و آن را از قانون عهد که در خروج اتفاق می‌افتد، در نظر بگیریم، می‌توانیم آن را در خروج یا قانون تقدس در لاویان ۱۷ پیدا کنیم. و سپس آن قانون در تثبیه فصل ۱۲ همانی که فعلاً در مورد آن صحبت خواهیم کرد. متوجه خواهیم شد که اینها در واقع چیز متفاوتی در مورد قربانگاه‌ها می‌گویند. مضامین بسیار منسجمی وجود دارد که همه هدایای مقدس در قربانگاه، یعنی در برابر خدا، تقدیم می‌شوند.

چیزی که متوجه شدیم، با این حال، وقتی به قانون عهد نگاه می‌کنیم، همانطور که در کتاب خروج می‌خوانیم، به نظر می‌رسد که بیان می‌کند که می‌تواند محراب‌های مختلفی وجود داشته باشد. این منطقی است زیرا در کتاب خروج، مردم بسیار جابجا می‌شوند. بنابراین با حرکت خیمه، یک محراب جدید ساخته می‌شود. و بنابراین، هر بار که یک محراب جدید ساخته می‌شود، اینها انواع قربانی‌هایی هستند که می‌توانید تقدیم کنید.

وقتی لاویان را می‌خوانیم، لاویان فرض می‌کند که فقط یک قربانگاه وجود دارد، و آن قربانگاهی است که روبروی تنها اصطبل، یعنی خیمه مقدس، قرار دارد.

به نظر می‌رسد تثبیه تقریباً یک قانون گذار باشد. بنابراین، در حالی که ما فرض کردیم که احتمالاً چندین قربانگاه در خروج و فرض فقط یک قربانگاه در لاویان وجود دارد، به نظر می‌رسد تثبیه آن نقطه گذار است که می‌گوید از این به بعد، فقط یک قربانگاه. و شما فقط می‌توانید در این یک قربانگاه قربانی‌های مقدس داشته باشید. اما تثبیه می‌گوید که می‌توانید به قربانی کردن در دروازه‌های شهر خود ادامه دهید، مادامی که آنها را به اشتراک می‌گذارید و آنها هدایای رسمی عشر یا هدایای رسمی شما برای خدا نیستند. اما همچنان می‌توانید حیوانات را بکشید و گوشت آنها را به اشتراک بگذارید و در شهرهای خود جشن بگیرید. بنابراین، تثبیه تا

حدودی سهلگیرانه و بسیار سختگیرانه در مورد فقط یک مکان به نظر می‌رسد. و با این حال، لایوان فقط یک مکان را مجاز می‌داند؛ همین. در خروج، احتمالاً چندین مکان وجود خواهد داشت

بنابراین این یکی از مواردی است که محققان به این کدهای مختلف و واژگان این کدهای قانونی مختلف نگاه می‌کنند و می‌گویند که به نظر می‌رسد این دوره‌های زمانی متفاوتی را به ما نشان می‌دهد

بسیار خوب، پس سوال این می‌شود که تثنیه چه زمانی نوشته شده است، یا چه زمانی می‌توانیم تاریخ هر یک از این قوانین را تعیین کنیم؟

خب، حالا که رسیدیم؛ می‌خواهم چند تا از محققان مختلف را که در تاریخ پژوهش‌های مربوط به تثنیه بسیار تأثیرگذار بوده‌اند، برایتان معرفی کنم

بررسی پژوهش‌های نوین در باب نویسندگی

و بعد، وقتی به انتها می‌رسیم، دانشمندان معاصر بسیار بیشتری در حال پیشرفت هستند و حوزه‌های مختلف تثنیه بسیار زیاد است، اما اینها کسانی هستند که در هر تفسیر تثنیه درباره آنها صحبت می‌شود. شما آنها را در کتاب مقدس‌های جدیدی که منتشر می‌شوند، خواهید دید. این افراد واقعاً در حال ظهور هستند؛ نام آنها در مقدمه‌های کتاب مقدس آمده است. بنابراین، خوب است که حداقل با آنها و ایده‌هایی که ارائه داده‌اند آشنا باشیم

خب، من می‌خواهم با پژوهش‌های مدرن شروع کنم. ما قبلاً در مورد اینکه چگونه مسئله‌ی حق تألیف از قرون وسطی تا قرن هفدهم مطرح می‌شد، صحبت کردیم. وقتی به قرن نوزدهم می‌رسیم، یک پژوهش اروپایی بسیار قوی داریم که وارد صحنه می‌شود و با تثنیه مسیر بسیاری از پژوهش‌ها را تغییر می‌دهد

دیوت

بخشی از آن به خاطر این آقا، دیوت، است. او یک محقق آلمانی بود که به کتاب تثنیه نگاه کرد. او گفت وقتی به تثنیه نگاه می‌کنیم، قوانین تثنیه ۱۲ تا ۲۶ نوع خاصی از عمل را تجویز می‌کنند که تا زمان یوشیا در بسیاری از تاریخ اسرائیل نمی‌بینیم. پادشاه یوشیا یکی از پادشاهان بزرگ اصلاح‌گر ماست. او در کتاب دوم پادشاهان، کتاب دوم پادشاهان، ظاهر می‌شود. بنابراین دیوت، یکی از ایده‌های او این بود که کتاب تثنیه احتمالاً درست قبل از سلطنت یوشیا نوشته شده است. و اگر در کتاب دوم پادشاهان بخوانید، یوشیا کسی است که در حال بازسازی معبد بودند، یکی از کاهنان معبد، کتاب شریعت را پیدا کرد، همانطور که نامیده می‌شود. و آنها آن را بیرون آوردند و برای هولدا، نبیه، فرستادند و او تأیید کرد که این کتاب در کتاب اصلی است. یوشیا آن را می‌خواند و از اینکه جامعه‌ی بنی‌اسرائیل چقدر از این کتاب شریعت دور است، شگفت‌زده می‌شود. و این آغاز و

تولد این اصلاحات عظیم است که گفته می‌شود یوشیا رهبر آن بوده است. خب، پس دیوت می‌گوید که کتاب شریعت باید درست قبل از یوشیا نوشته شده باشد، و سپس آن کتاب شریعت احتمالاً تثنیه است. و بنابراین تثنیه درست قبل از یوشیا نوشته شده است. تثنیه مسئول اصلاحات یوشیا است.

او به چند نکته اشاره می‌کند. یکی از این موارد این است که در این زمان، از نظر بین‌المللی، آشوری‌ها ملت بزرگی در صحنه بین‌المللی بودند و تجربه نشان داده که بعدها بابلی‌ها علاقه زیادی به پرستش خدایان آسمانی داشتند.

و ما در چند جای تثنیه ایده یا تشخیص وجود پرستش آسمانی را می‌بینیم. و معمولاً به شکل فصل ۱۲ یا فصل ۴ تثنیه می‌آید، جایی که ممنوعیت پرستش اجرام آسمانی وجود دارد. بنابراین، دیوت می‌گوید حتی همین ایده که به نظر می‌رسد تثنیه از پرستش آسمانی آگاه است، باید به این معنی باشد که در دوره زمانی قرار دارد که آشور و بابل ستارگان را می‌پرستیدند. بنابراین به طور بالقوه، اما این یکی از نکات اوست.

او همچنین به این واقعیت اشاره می‌کند که وقتی روایت‌های تاریخی در تاریخ اولیه اسرائیل را می‌خوانیم، قربانگاه‌های مختلف زیادی وجود دارد که مردم می‌سازند و در آنها عبادت می‌کنند، نه برای خدایان بیگانه، بلکه برای یهوه. و بنابراین، برای مثال، ما سلیمان را داریم؛ پس از اینکه او معبد را می‌سازد، به کنار جبعون می‌رود و در جبعون، قربانی دیگری را در یک قربانگاه به خدا تقدیم می‌کند، و در آنجا است که او با خدا در مورد درخواست حکمت گفتگو می‌کند.

یا اگر به کتاب اول پادشاهان فکر کنید، در کتاب اول پادشاهان، الیاس نبی با اخاب پادشاه پادشاهی شمالی اسرائیل روبرو می‌شود و به همراه تمام پیامبران دروغین بعل به کوه کرمل می‌رود. و او نیز یک قربانگاه می‌سازد. و در هر یک از این داستان‌ها، و داستان‌های بسیار دیگری وجود دارد، در هر یک از آن داستان‌ها، به نظر نمی‌رسد که آن قربانگاه‌ها ممنوع باشند یا ایده اشتباهی باشند.

و بنابراین، دیوت به این نکته اشاره می‌کند و می‌گوید که در اوایل تاریخ اسرائیل، به نظر می‌رسد که این موضوع اشکالی نداشته است. آنها قربانگاه‌های دیگری هم داشتند که همگی برای یهوه بودند، اما چندین قربانگاه، اما با اصلاحات حزقیا و یوشیا، دیگر مجاز به این کار نبودند.

بنابراین، او با در نظر گرفتن تأثیرات بین‌المللی قرن‌های هشتم و هفتم، ایده‌ی محراب‌ها و ایده‌ی پرستش آسمانی، می‌گوید که تثنیه باید نوشته شده باشد؛ به نظر می‌رسد که این موضوع، زمینه‌ای از یوشیا را منعکس می‌کند.

جولیوس ولهاوزن

جولیوس ولهاوزن شاید یکی از محققان بسیار مشهور بعدی باشد که وارد صحنه می‌شود و نوعی اصلاحات انجام می‌دهد یا شاید ایده را کمی دقیق‌تر می‌کند. بنابراین، ولهاوزن همچنین به تغییرات در متن آن قوانین نگاه می‌کند و می‌گوید، خب، قانون عهد، قانون تقدس و قانون تثنیه وجود دارد. اگر بخواهیم آنها را مرتب کنیم، به کجا تعلق دارند؟ آیا می‌توانیم آنها را از یکدیگر تشخیص دهیم؟ آیا می‌توانیم بر اساس کاری که انجام می‌دهند، آنها را تاریخ‌گذاری کنیم؟ خب، شاید تثنیه متعلق به یوشیا باشد.

و بنابراین، او این ایده کلی را در رابطه با کل اسفار پنجگانه مطرح می‌کند. به این فرضیه مستند می‌گویند. و شاید قبلاً در مورد آن شنیده باشید. بنابراین، او فکر می‌کرد که چهار منبع مختلف وجود دارد. و اینکه این چهار متن اصلی برای ایجاد اسفار پنجگانه فعلی گرد هم آمده‌اند.

می‌نامد. دومی **J** بنابراین، او فکر کرد که چهار منبع مختلف وجود دارد، که یکی از آنها را یهوئیست می‌نامد. همه اینها از داستان‌های مختلفی که گفته می‌شود، آمده‌اند. کدام نام‌های خدا در این **E** را الوهیست داستان‌ها بیشتر دیده می‌شوند؟ او گفت که این دو مورد اول احتمالاً به سلطنت متحد برمی‌گردند. در نهایت، همه این داستان‌ها و تاریخ‌ها در زمان شائول، داوود و سلیمان نوشته شده‌اند.

او گفت که در آنجا اسنادی داریم که در آنها قوانین بسیار سختگیرانه‌ای در رابطه با رفتار مقدس، یا رفتار در خیمه یا رفتار در معبد وجود دارد. او همه اینها را کاهن می‌نامد. و در تثنیه، او در واقع کل کتاب تثنیه را به رسمیت می‌شناسد، و به نظر می‌رسد که کل تثنیه چیز منحصر به فرد خودش است. بنابراین، منبع خاص خودش را دارد و سند خاص خودش است.

تاریخ‌گذاری سند کاهنی و سند تثنیه، زمانی که مردم این‌طور فکر می‌کردند، در طول زمان تغییر کرده است. این فرضیه مستند، مدت زمان بسیار طولانی بر تاریخ تورات و تاریخ پژوهش‌ها حاکم بوده است. در واقع، تا دهه ۱۹۷۰

فراتر از فرضیه مستند

در دهه ۱۹۷۰، ما شروع به داشتن افرادی کردیم که فرضیه مستند را مطالعه کرده بودند، چیزهای واقعاً جالبی در مورد کتاب مقدس کشف کرده بودند و به جزئیات بسیار کوچکی در کتاب مقدس توجه می‌کردند. گفتگوهای جالبی در جریان بود. اما همچنین به جایی رسید که مردم به نوعی تورات را به قطعات کوچک و ریز تقسیم می‌کردند، و به جایی رسید که ما به نوعی اصل مطلب و داستان کلی و تاریخ کلی را از دست می‌دادیم. در دهه ۱۹۷۰، ما شروع به این تجدید حیات کردیم که به کتاب مقدس به عنوان ادبیات نگاه کنیم، به آن به عنوان

یک کل آفریده شده، زیبا و منسجم نگاه کنیم. بنابراین در دهه ۱۹۷۰، یک نسل کاملاً متفاوت و نحوه مطالعه تورات وجود دارد.

حالا در رابطه با تثنیه، اگر به قانون تثنیه برگردیم، در واقع سه محقق تأثیرگذار دیگر داریم که مسیر تحقیق را به ما نشان می‌دهند.

اولین نفر مارتین نات است، بنابراین او واقعاً جالب است زیرا او به تثنیه و روایت‌های تاریخی از یوشع تا پادشاهان نگاه کرد. او گفت که شباهت زیادی بین این کتاب‌ها وجود دارد. او یکی از اولین افرادی بود که گفت، شاید، فقط شاید، تثنیه به پنج کتاب عهد عتیق، پیدایش، خروج، لاویان و اعداد تعلق ندارد. شاید تثنیه در واقع مقدمه‌ای بر روایت‌های تاریخی باشد. بنابراین او فقط آن را به طور متفاوتی گروه‌بندی کرد و گفت که تثنیه به منظور معرفی این روایت‌های تاریخی نوشته شده است، و راهی بود برای اینکه، وقتی آن کتاب‌ها نوشته شدند، راهی بود برای بنی‌اسرائیل تا خود را در برابر قانون قضاوت کنند.

بنابراین، چیزهایی در تثنیه وجود دارد؛ مثلاً وقتی به تثنیه ۱۷ می‌رسیم، یک قانون بسیار منحصر به فرد مربوط به پادشاهان و جایگاه پادشاه در جامعه وجود دارد. و این قانون، به گفته‌ی نات، برای هر پادشاهی استفاده می‌شود، سپس با قانون موجود در تثنیه مقایسه می‌شود.

فون راد

حالا، گرهارد فون راد، که او هم یک محقق آلمانی است، به جای این، به تمام این داده‌ها نگاه کرد و گفت بسیاری از آنچه ارائه شده منطقی به نظر می‌رسد، به جز اینکه چرا باید بگوییم تثنیه درست قبل از اصلاحات یوشیا نوشته شده است؟

به نظر می‌رسد که آنها دست در دست هم پیش می‌روند. بسیاری از مطالبی که در تثنیه آمده است، به طور خاص منعکس کننده اقدامات یوشیا است. اما این بدان معنا نیست که تثنیه درست قبل از یوشیا نوشته شده است. این کتاب می‌تواند سال‌ها قبل از یوشیا وجود داشته باشد. بنابراین، ما نمی‌توانیم از این واقعیت که تثنیه و یوشیا دست در دست هم هستند، برای تعیین تاریخ تثنیه استفاده کنیم، زیرا احتمالاً نوعی از تثنیه در زمان یوشیا وجود داشته است. بنابراین، ون راد یکی از اولین کسانی است که می‌گوید همه لحظه‌ای صبر کنید؛ تثنیه می‌تواند به طور بالقوه بسیار قدیمی‌تر باشد.

خب، گوردون ونهام، که یک محقق بسیار جدید در بریتانیا است. او اظهار داشت که تثنیه قطعاً یک مکان را برای مکان انتخاب شده برای قربانگاه و قوانینی که در تثنیه ۱۲ به آنها خواهیم پرداخت، در نظر دارد بنابراین، بله، این درست است؛ فقط یک مکان وجود دارد. و تثنیه در مورد آن بسیار خاص است. اما برخلاف

همه محققانی که پیش از این آمده‌اند، و همه این محققان، که گفته‌اند، تثنیه می‌گویند فقط یک مکان می‌تواند وجود داشته باشد، تثنیه باید به یوشیا مرتبط باشد. بنابراین مکان انتخاب شده تثنیه باید به معنای اورشلیم باشد.

گوردون ونهام یک قدم به عقب برداشت و گفت نه لزوماً. تثنیه می‌گویند مطمئناً فقط یک مکان می‌تواند وجود داشته باشد، اما آن یک مکان، فقط یک مکان در یک زمان است، نه چندین مکان.

بنابراین، ما در روایات تاریخی می‌دانیم که بنی‌اسرائیل مدت‌ها قبل از اینکه در اورشلیم عبادتگاهی داشته باشند، در شیلوه عبادتگاهی داشتند. و شاید به همین دلیل است که گوردون ونهام می‌گوید، ما نمی‌توانیم تثنیه را بر اساس همه این شباهت‌ها با یوشیا تاریخ‌گذاری کنیم، زیرا آنچه که تثنیه به دنبال آن است، در واقع فقط یک قربانگاه در هر زمان، فقط در مقابل عبادتگاه خداست.

خب، بدیهی است که سردرگمی زیادی وجود داشته است. محققان دیگری هم وجود دارند؛ سندی ریشتر محقق بزرگی است که زمان زیادی را صرف مطالعه تثنیه کرده است. او به تثنیه ۱۲ نگاه می‌کند و کاملاً از دیدگاه گوردون ونهام در اینجا خوشش نمی‌آید، اما می‌گوید این قانون و فصل ۱۲ هیچ ارتباطی با اصلاحات یوشیا ندارند، تا آنجا که در مورد این مکان صحبت می‌کند که خدا "نام خود را در آن قرار می‌دهد". این عبارت در واقع راهی برای بیان این است که خدا نام خود را بر سرزمینی قرار می‌دهد، درست مانند پادشاهان باستان، خاور نزدیک که یک استلا در زمین قرار می‌دادند، نام خود را بر روی این پلاک بزرگ می‌نوشتند و می‌گفتند من مالک این سرزمین هستم. و بنابراین خدا همان نوع ادعا را بر سرزمینی که اسرائیل قصد دارد آن را ادعا کند، دارد. به عبارت دیگر، تثنیه ۱۲ راه دیگری برای گفتن این است که خدا تنها پادشاه حقیقی در این سرزمین است و جامعه ما قرار است حول محور خدا به عنوان پادشاه عمل کند.

نتیجه‌گیری نویسنده

بنابراین، ممکن است من واقعاً به همه سوالات شما در مورد نام و تاریخ دقیق یک نویسنده در تثنیه پاسخ نداده باشم. و من این کار را عمداً انجام داده‌ام زیرا فکر می‌کنم راه صادقانه واقعی برای پاسخ به این سوال این است که ما هنوز نمی‌دانیم.

با این حال، فکر نمی‌کنم این موضوع باید مطالعه ما از تثنیه را مختل کند. ما قبلاً بررسی کرده‌ایم که چقدر زیباست. ما قبلاً بررسی کرده‌ایم که چقدر خوب ساخته شده است، و شامل سرودهای خاصی است، سرودهایی که در انتهای تثنیه ظاهر می‌شوند، سرودهای عبری بسیار قدیمی و باستانی هستند. بنابراین، این کتاب مجموعه‌ای کامل از تاریخ بنی‌اسرائیل را در بر می‌گیرد، و کتابی بسیار خوش‌ساخت و بسیار زیبا است.

پیام تثنیه

من هنوز هم دوست دارم سفر تثنیه را به عنوان راهی برای گفتن این موضوع بخوانم که دیدگاه کتاب مقدس در مورد سرمایه‌گذاری در مکان، سرمایه‌گذاری در جامعه چیست؟ بنابراین، اگر خدا نازل شود و به ما بگوید، این بهترین راه برای ساختن جامعه شما و بهترین راه برای سرمایه‌گذاری روی اطرافینتان است تا زمین شکوفا شود، شما به عنوان انسان شکوفا شوید و رابطه خوبی با خدا داشته باشید و همه این چیزها با هم کار کنند. سفر تثنیه کتابی است که باید برای آن به دنبالش برویم. بنابراین، من دوست دارم بر این اساس که چگونه سفر تثنیه به ما می‌گوید جامعه را بسازیم، روی آن تمرکز کنم. بنابراین، من این دیدگاه را با خود به قانون وارد می‌کنم. بنابراین، اکنون می‌خواهیم به بررسی فصل ۱۲ سفر تثنیه بپردازیم.

تثنیه ۱۲

بنابراین، می‌توانم بگویم که تثنیه ۱۲ تقریباً با یک چارچوب دوگانه سازماندهی شده است که در آن با ایده‌های بسیار مشابهی شروع و پایان می‌یابیم. در ابتدا چند آیه داریم که همگی درباره ممنوعیت پرستش کنعانیان است که در انتهای فصل نیز برای ما تکرار می‌شود، جایی که دوباره ممنوعیت پرستش کنعانیان را داریم. بخش عمده‌ای از فصل ۱۲ درباره این است که پرستش بنی‌اسرائیل واقعاً چگونه باید باشد. بنابراین، این قلب فصل است.

تثنیه ۱۲: چارچوب آغاز و پایان

پس بیایید ادامه دهیم و برخی از این آیات را با هم بخوانیم. من در تثنیه ۱۲ می‌خوانم. بنابراین، با یک مقدمه شروع می‌شود: «اینها مجسمه‌ها و احکامی هستند که باید در سرزمینی که خداوند، خدای پدرانان، به شما داده است تا در آن زندگی کنید، به دقت رعایت کنید.» این جمله آشنا به نظر می‌رسد. ما تقریباً در ابتدای بیشتر فصل‌ها این را شنیده‌ایم.

این همان روشی است که ما قصد داریم به آن نتیجه برسیم. بنابراین، اگر به انتهای فصل برگردیم، وقتی که به آن نگاه می‌کنیم، خب، بسته به عبری، کتاب مقدس انگلیسی، با نوعی مرور کلی به پایان می‌رسد هر آنچه را که به شما دستور می‌دهم، باید مراقب باشید که آن را انجام دهید. نباید چیزی به آن اضافه یا از آن کم کنید."

منع پرستش کنعانی‌ها

حالا بیایید به این بخش کنعانی که پرستش کنعانیان را ممنوع می‌کند، نگاهی بیندازیم. این بخشی است که در واقع منعکس کننده و بسیار شبیه به فصل ۱۲ است، بخشی از تثنیه که قبلاً از آن صرف نظر کردیم.

بنابراین، در آیه ۲ آمده است: «تمام مکان‌هایی را که ملت‌هایی که آنها را بیرون خواهید کرد، در آنها، خدایان خود را عبادت می‌کنند، چه بر روی هر کوه بلند، چه بر روی تپه‌ها، چه زیر هر درخت همیشه سبز، کاملاً نابود خواهید کرد. قربانگاه‌های آنها را ویران خواهید کرد و ستون‌های مقدس آنها را خرد خواهید کرد. اشیریم آنها را به آتش خواهید سوزاند. تصاویر تراشیده شده خدایان آنها را قطع خواهید کرد و نام آنها را از آن «مکان محو خواهید کرد. شما نباید با خداوند چنین رفتار کنید».

این حرف کمی تند به نظر می‌رسد، اما بیایید یک لحظه در موردش فکر کنیم.

ما در یکی از سخنرانی‌های قبلی گفتیم که مکان و خاطره به هم مرتبط هستند، درست است؟ مکان مانند عیبیل است و جرزیم می‌تواند خاطراتی مانند مراسم تصویب پیمان با خدا را در خود جای دهد. به نظر می‌رسد تثنیه با این موضوع کاملاً آشناست زیرا می‌گوید وقتی وارد می‌شوید، از قبل یک سیستم پرستش، خاطره پرستش خدایان دیگر، در تار و پود این مکان حک شده است. باید از شر آن خلاص شوید، درست است؟ بنابراین، ما در حال ایجاد این ایده هستیم که یک خدا، یک مکان پرستش وجود دارد. و با این حال، وقتی به نحوه پرستش مردم ساکن در این سرزمین نگاه می‌کنیم، به انواع مختلف مکان‌های ذکر شده گوش دهید.

آنها خدایان خود را در کوه‌های بلند، تپه‌ها و زیر هر درخت سبزی عبادت می‌کنند. بنابراین، اگر مکان‌های زیادی وجود داشته باشد که یادگار پرستش خدایان دیگر را در خود نگه می‌دارند، و اشیاء مرتبط با آن مکان‌ها وجود داشته باشد. بنابراین، این جمله می‌آید: «و شما باید ستون‌های مقدس را بشکنید و محو کنید، اشیریم یا برکه‌های مقدس را با آتش بسوزانید. شما باید تصاویر حکاکی شده خدایان آنها را قطع کنید. نام آنها را از آن «مکان محو کنید».

حالا، وقتی به آن «نامشان را محو کن»، می‌رسیم، می‌توانیم آن را به عنوان محو نام کنعانیان از آن مکان تعبیر کنیم. می‌توانیم آن را به عنوان محو نام خدایانشان از آن مکان تعبیر کنیم. بنابراین، ما با رفتن به این مکان که در حال حاضر خاطره پرستش همه این افراد دیگر را در خود نگه داشته است، در حال نابودی هستیم و این نوعی پرستش است که خدا را ناراضی می‌کند. بنابراین، وقتی وارد آن سرزمین می‌شوید، آن را محو کنید، آن را پاک کنید؛ مانند این است که این خاطرات قدیمی را که آن سرزمین دارد، پاک کنید یا از بین ببرید و نوع جدیدی از عادت پرستش ایجاد کنید.

جستجوی خداوند در مکانی که او انتخاب خواهد کرد

بنابراین این بخش میانی فصل است. بنابراین اینگونه شروع می‌شود: «شما خداوند را در مکانی که، خداوند، خدای شما، از میان تمام قبایل شما انتخاب می‌کند تا نام خود را در آنجا برای سکونت خود مستقر کند جستجو خواهید کرد و به آنجا خواهید آمد.» بنابراین این تشخیص وجود دارد که قبایلی وارد این سرزمین بسیار متنوع می‌شوند، اما خدا فقط یک مکان را انتخاب می‌کند و تشخیص می‌دهد که این انتخاب خداست و نه انتخاب بنی‌اسرائیل.

قربانی‌های سوختنی، قربانی‌هایت، عشر‌هایت، هدایای دستتان، هدایای نذری، هدایای اختیاری‌تان را» ، آنجا خواهید آورد. نخست‌زاده‌های گله و رمه‌تان.» همچنین، شما و خانواده‌تان در آنجا در حضور خداوند خدایتان، غذا خواهید خورد و از تمام کارهایی که خداوند، خدایتان، شما را در آنها برکت داده است، شادمان خواهید شد. شما هرگز نباید کاری را که ما امروز اینجا انجام می‌دهیم، انجام دهید. هر کس آنچه را که در نظر خود درست است، انجام می‌داد. زیرا شما هنوز به محل استراحت، میراثی که خداوند، خدایتان، به شما می‌دهد وارد نشده‌اید.» در آن لحظه، وقتی وارد سرزمین می‌شوید، برخلاف نحوه رفتار ما تا به حال، متوجه می‌شوید که ما در مورد چه چیزی صحبت می‌کنیم. وقتی به آن لیست نگاه می‌کنیم، لیستی از انواع مختلف قربانی‌هایی را می‌بینیم که بنی‌اسرائیل عموماً به حضور خدا می‌آوردند. تنبیه در بیان اینکه شما و تمام خانواده‌تان در آن هستید بسیار خاص است. بنابراین، همه برای پرستش خدا در یک مکان می‌روند.

تقدیم قربانی در مکان برگزیده

بنابراین در آیه ۱۰، «چون از اردن عبور کنی و در سرزمینی که یهوه، خدای تو، به تو می‌دهد ساکن شوی، و او تو را از همه دشمنانت که در اطراف تو هستند، آرامی دهد. تا در امنیت زندگی کنی، آنگاه در مکانی که یهوه، خدای تو، برای سکونت نام خود برمی‌گزیند، هر آنچه را که به تو فرمان می‌دهم، از قربانی‌های سوختنی و قربانی‌هایت، عشر‌هایت و هدایای دستانت، و همه هدایای نذری برگزیده‌ات که برای خداوند نذر می‌کنی، بیاور.» بنابراین، دوباره فهرستی از همه انواع قربانی‌های مقدس

و تو و پسران و دخترانت، غلامان و کنیزانت، و لاویانی که در دروازه‌های تو هستند، زیرا هیچ سهم یا میراثی با تو ندارند، در حضور خداوند، خدای خود، شادی خواهید کرد. مراقب باشید که قربانی‌های سوختنی خود را در هر مکان مذهبی که می‌بینید، تقدیم نکنید. بلکه فقط در مکانی که خداوند در یکی از قبایل شما انتخاب می‌کند.»

بنابراین، دوباره، ما این فهرست از هدایای مقدس را داریم که قرار است فقط در یک مکان مشخص اهدا شوند. و همه به آنجا دعوت شده‌اند، مرد، زن، فقیر، ثروتمند، برده و زمین‌دار. همه می‌توانند بروند. همه به آن میز خوش آمدید.

در آیه ۱۵، این بخش به نوعی بخش منحصر به فردی از تثبیه است زیرا می‌گوید: «با این حال می‌توانید گوشت را در هر یک از دروازه‌ها ذبح کنید و بخورید.» بنابراین، وقتی منظور دروازه‌ها است، یعنی در هر یک از شهرهای مختلفی که در آن زندگی می‌کنید. بنابراین، در شهر خود می‌توانید گوشت را ذبح کنید مطابق با برکت خداوند، خدای شما که به شما می‌دهد. نجس و طاهر می‌توانند آن را بخورند، همانطور که از «غزال و آهو» فقط خون را نخورید. آن را مانند آب بر زمین بریزید.» بنابراین، شما مجاز نیستید که در دروازه‌ها هیچ یک از ده یک‌ها و هدایای مقدس را بخورید، اما می‌توانید همان نوع فعالیت را تکرار کنید. می‌توانید حیوانی را در دروازه‌ها ذبح کنید، اما وقتی این کار را در دروازه‌ها انجام می‌دهید، همه می‌توانند بخورند - پاک، نجس، فقیر، ثروتمند، لاوی در دروازه‌های شهر، مالکان، همه می‌توانند آنجا باشند.

توزیع مکان‌ها

بنابراین، این عبادت بنی‌اسرائیلی است. من می‌خواهم نشان دهم که این یک طرح بسیار کلی است خیلی فنی نیست؛ شاید یکی از شما بتواند روش فنی‌تری برای ترسیم آن برای من پیدا کند. اما به نظر من، این طرحی خواهد بود که نشان دهنده قانون قربانگاه تثبیه است. بنابراین، در تثبیه ۱۲، چیزی که به دست می‌آوریم این است که یک مکان انتخاب شده وجود دارد. این مکانی است که خدا انتخاب می‌کند تا نام خود را در آن قرار دهد. این مکانی است که خدا را به عنوان پادشاه، مالک و مجری زمین نشان می‌دهد.

به این مکان، مکان‌های پراکنده‌ی زیادی متصل هستند. بنابراین، در مرکز، ما خدا و مکان برگزیده‌ی او را داریم، اما در هر جای دیگر، شهرها و جوامع مختلفی داریم. بنابراین، به روشی که من این را ترسیم کردم، در آنجا دایره‌های کوچک و دایره‌های بزرگی با فواصل کاملاً متنوع از مکان برگزیده داریم. اما همه آنها به دلیل فداکاری‌هایی که برای مکان برگزیده انجام می‌دهند، به هم متصل هستند.

بنابراین چه اهل یک شهر بزرگ باشید و چه اهل یک روستای کوچک، چه خیلی دور بوده باشید و چه خیلی نزدیک، فرقی نمی‌کند. همه به یک مکان می‌روند، و این مکان توسط بنی‌اسرائیل انتخاب نشده، بلکه توسط خدا انتخاب شده است - قربانی‌های مقدس در اینجا. اکنون می‌توانید به تمام این مکان‌های توزیع‌شده دیگر برگردید. همچنین می‌توانید در اینجا گوشت بخورید. همچنین می‌توانید با جامعه خود در اینجا جشن بگیرید، اما این جشن‌ها فقط زمانی مقدس هستند که در مقابل خدای واحد حقیقی در یک مکان منتخب ایستاده باشید.

تولد یک ملت واحد و یکپارچه

این موضوع در واقع برای ما مهم است وقتی چند نکته را که در کتاب تثنیه اتفاق می‌افتد در نظر می‌گیریم. بنابراین، ما شروع به دیدن این ایده ملیت می‌کنیم که در حال تولد است. ایده این است که آنها در مصر برده بوده‌اند. آنها به عنوان گروهی از مردم در بیابان سرگردان بوده‌اند. اما اکنون آنها به یک سرزمین واحد می‌روند و من باید به یک ملت واحد تبدیل شوم. و بنابراین، آنها باید از یک طرز فکر و جهان‌بینی قبیله‌ای کامل به یک جهان‌بینی ملتی تبدیل شوند.

بنابراین، ما در حال حاضر شاهد هستیم که تثنیه مشتاقانه منتظر زمانی است که آنها به عنوان یک ملت منسجم شروع به فعالیت کنند. این موضوع در تثنیه بسیار جالب است زیرا اگرچه چندین زمان مختلف وجود دارد، تثنیه اذعان می‌کند که قبایل وجود دارند و قبایل بیشتر از همیشه وجود دارند. تثنیه از مردم به عنوان برادر، خواهر و برادر برابر یاد می‌کند و این خطوطی را که مردم را به بخش‌ها و گروه‌ها تقسیم می‌کند، تا حدودی محو می‌کند.

ما همچنین باید وحدت مردم را به رسمیت بشناسیم. بنابراین، چگونه می‌توان گروهی متنوع از مردم را متحد کرد؟ خب، آنها تحت یک قانون واحد که خدا به آنها می‌دهد، متحد هستند. بنابراین وحدتی که برای مردم حاصل می‌شود به این دلیل است که همه آنها تحت یک چتر قانون واحد عمل می‌کنند. این قانون توسط خدا داده شده است. این کلام خداست. این روش اوست که می‌گوید چگونه می‌توانید به عنوان انسان در این مکان انتخاب شده به بهترین شکل ممکن شکوفا شوید.

متحد کردن ملت در سرزمینی متنوع

ما باید به یاد داشته باشیم زیرا به تصاویر این سرزمین نگاه کرده‌ایم، همانطور که نگاه می‌کردیم، و دیدیم که این سرزمین چقدر متنوع است. وقتی به تثنیه ۷ نگاه کردیم، در ابتدا در مورد اینکه متحد کردن مردمی که در آن سرزمین زندگی می‌کنند چقدر دشوار است صحبت کردیم زیرا ما دشت ساحلی داریم، و در جنوب بیابان داریم، و در منطقه کوهستانی زمین‌های کشاورزی داریم. چگونه می‌توانید مردمی را که در چنین زمین‌های متنوعی زندگی می‌کنند، به عنوان یک گروه مردمی متحد کنید؟ خب، تثنیه این کار را با تمرکز بر یک قانون انجام می‌دهد. به مردم می‌گوید؛ فرقی نمی‌کند که در ساحل زندگی کنید، اگر در زمین کشاورزی زندگی کنید، اگر چوپانی در بیابان باشید، اگر در جنوب زندگی کنید که به سختی بتوانید زندگی خود را اداره کنید، همه صرف نظر از زمینی که در آن زندگی می‌کنند، به یک مکان انتخاب شده برای به خاطر سپردن سفر می‌کنند. این یک خدا، یک مجموعه قوانین است که همه آنها را به عنوان یک ملت گرد هم می‌آورد.

بنابراین، هر آنچه که بنی اسرائیل مقدس می‌دانستند، به خانواده‌ها و روستاها تزریق می‌شد. پس بگذارید این مفهوم را در نظر بگیریم و به تصویری که قبلاً داشتیم برگردیم.

هویت ملی

ما یک مکان انتخاب شده داریم، و ما در مورد این ایده ملیت، یعنی گرفتن هویت خود از یک مکان انتخاب شده صحبت کردیم. به انتخاب یکی از نقاط اینجا فکر کنید و بگویید، آن شهر شماسست. آنجا جایی است که شما از آنجا آمده‌اید. شاید بزرگ باشد یا کوچک؛ شاید نزدیکتر باشد، شاید دور، فرقی نمی‌کند.

حالا، فرض کنید من انتخاب می‌کنم که از یک شهر کاملاً متفاوت بیایم. شما ممکن است در ساحل، زندگی کنید. من ممکن است یک کشاورز در یک منطقه کوهستانی باشم، ما از زمینه‌های کاملاً متفاوتی آمده‌ایم اما ما با هم ملاقات می‌کنیم تا در فعالیت‌های یکسانی شرکت کنیم تا به خودمان یادآوری کنیم که هر دو تحت یک نوع قانون وجود داریم که از یک خدا در یک مکان مقدس سرچشمه می‌گیرد.

بنابراین، ما به نوعی حس هویت، ملیت و تعلق خود را با هم تجدید می‌کنیم، زیرا هر دو موافقیم که این مکان مقدس است. من به خانه برمی‌گردم؛ ما همان ایده‌های مقدس را به خانه‌هایمان می‌بریم.

حالا، واقعاً می‌توانیم خطوطی بین این مکان توزیع‌شده و این مکان، و این مکان و آن مکان رسم کنیم. زیرا همه ما تحت یک نوع قانون عمل می‌کنیم.

بنابراین، به یاد داشته باشید که تثنیه در فصل‌های ۶ و ۱۱ درباره مشخص کردن مکان‌های آستانه‌ای صحبت می‌کند؟ ما قانون خدا را بر قلب‌هایمان می‌نویسیم، یا آن را به دست‌انمان می‌چسبانیم، آن را در صدر ذهن خود، در ادراک دیگران، بر چارچوب در خانه‌هایمان، بر دروازه‌های شهر قرار می‌دهیم. آن چه قانونی است؟ این قانونی است که از یک خدا در یک مکان منتخب سرچشمه می‌گیرد. بنابراین، این قانون، گروهی متنوع از مردم را که در سرزمینی بسیار متنوع زندگی می‌کنند، گرد هم می‌آورد و آنها را به عنوان یک ملت تحت یک قانون متحد می‌کند.

و بعد وقتی آن افراد به مکان‌های مختلف خود باز می‌گردند، در واقع آن وحدت را با خود به زادگاهشان می‌برند.

به نظر من، این همان چیزی است که در قلب تثنیه ۱۲ نهفته است.

وقتی به فصل‌های ۱۳، ۱۴ و ۱۵ که سخنرانی بعدی خواهد بود، می‌رسیم، آنها همچنان بر خدا و تقدس خدا در یک مکان انتخاب شده تمرکز می‌کنند، اما سپس در مورد چگونگی توزیع آن در شهرهای اطرافشان صحبت می‌کنند.

من دکتر سینتیا پارکر هستم و در مورد کتاب تثنیه تدریس می‌کنم. این جلسه ششم در مورد تثنیه ۱۲ است.